

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com	afgazad@gmail.com
A.R.M.D	آرشیف اسناد جنبش انقلابی

فرستنده: طارق از افغانستان

۱۱/۰۱/۱۱

جبهه دانش
آنجای که عین استادان و محصلان
استقلال طلب افغانستان

اعلامیه

یسک چنا پست دیگر از جنبه و زکاران روسی

داکتر قسیم نژیبی استاد و طنپور ست را د ستگاه جامع روسی روس به شهادت رساند و یکبار دیگر دست های تجا و زکاران روس بخون یک فرد وطن دوست سرخ گردید. این خون دیگر بخاک ریخت و بدینسان عرضه معارف و پوختن که چنانکه علم و دانش بود کم کم به محبه ای از مسلح آذمکنی و مپسا و نوکران آنها تبدیل گردید. روسها برای عدم تطبیق قانون کشتار خود هیچ جای استثنای را نس شناسند آنچه برای آنها اهمیت دارد / است که بدو نچون و چرا هر کس که نوکر چنانغای روس نیست از دم تیغ بگذرد و این قسم مهم نیست که طرف مقابل چیست ؟ آیا سیاسی است / بیطرف است / بیطرف است یا مخالف و مبارز تافته بدست ؟ اگر ملین و خوش برای جهان و وطن ما یک پاسخ داوران مرگ فقط مرگ است. قتل داکتر قسیم نژیبی استاد طب عدلی در پوهنځی های طب و حقوق یکی از برهنه ترین جنایات است که KGB کی بی (د ستگاه جامع روسی) متقیما وین برده انجام داده است - جنایت و قتل را که در مقابل دیدگان تمام مردم ما با دستها و دندانهای خونخوار و خونین خود به اصطلاح خود کس "اعلام میکند / بیخیم داکتر شهید کی بود / بر او چگونه کشته شد؟ داکتر نژیبی در سال (۱۳۴۰) از لویه قساری فارغ و در سال (۱۳۴۴) برای ادامه تحصیل در رشته طب عدلی به شوروی رفت و در سال (۱۳۵۷) به وطن برگشته اول در وزارت عدلیه و سپس در طب عدلی و پوهنځی طب بیکار خود ادامه داد. داکتر نژیبی که در شوروی ازدواج کرده بود / متا مانه نمیدانست که KGB از دختران روسی آیکه با خار جیان از واج میکند / بیثا به عوامل شبکه های جاسوسی خود استغاده میکند / روزی خانم خود او در صدد قتل وی پر خواهد آمد.

شخصیت داکتر نژیبی بر او هیچکس پوشیده نیست و ی که از تبه دل په تجا و زکاران روس و نوکران آنها کینه و نفرت داشت. دوباره در چین انجام وظیفه (طب عدلی) با آذمکنی و جنایات آنها مواجه میشد. این وضع داکتر و طنپور ست را رنج میداد و گامه صبر او را لبریز میداشت.

آنها از او میخواهند / تا قتل های نا عی از کنگره را خود کس را نمودند و ی و تا حد ممکن در برابر آنها ایستادگی میکند. چنانچه یکشنبه هفته قبل از فوت وی چند روز جوان شرفه بخون و پاره پاره شده توسط شکنجه را پیش وی آورد و از او خواستند تا فرکانها را "خود کس" قلمداد کند. داکتر نژیبی بی ایستادگی و شهادت ا پسند در خوانست مشاور روسی را رد و در جوانی مشاوره که گفته بودند اگر علم مرگ را شکنجه بنویسی ما از نظر سیاسی بدنام میشویم با قاطعیت گفت "من آدم

سیاسی نیستم و به سیاست هم کار ندارم / مسئله سیاست جدا / ما برای من مهم مسئله و وظیفه و مسلک است که به اساس وجدان و وظیفه نمیتوانم دروغ بگویم * مشا و رکه داکتر را در عزم خود راسخ من بیند ظاهرآ خاموشی اختیار کرده و سه روز بعد باز با او در تماس شده و پیشنهاد میکند تا جدا قل بنویسد که " این دو جوان در لحظات آخر شکجه " خود کسی کرده اند " ولی داکتر شرافتمند این درخواست را نیز با قاطعیت رد میکند * تا اینکه روس ها و نوکران شان باتوجه به سابقه کار را دست کاری وی اورا مانع کار خود یافته و تصمیم نهائی خود را میگیرند رتاریخ ۱۳ قوس او را بقتل میرسانند * جریان قتل داکتر نیز همین چنین است : شام ۱۳ قوس داکتر نیزهیی با اصرار خانم پروسی خود به يك مهمانی میرود و ساعت ۹ و ۱۰ دقیقه بخانه بر میگردد * خانم او برخلاف معمول (که حتی همسایه ها هم متوجه میشوند) صدای تیب ریگارد را بلند تراز همیشه میکند * چند ساعت بعد از برگشتن آنها ناگهان صدای فریاد از منزل داکتر نیزهیی بگوش میرسد که همسایگان و وابستگان داکتر را بطرف خانه او میکشاند * وقتی همه تا در پشت خانه از خانم وی جویای احوال میشوند / خانم وی سکوت اختیار کرده / در حالیکه دروازه اپارتمان باز است / به شکستن شیشه های پنجره میرد از * مدت بعد روشن میشود که داکتر نیزهیی در حالیکه بس در گردنش يك سیم برق پیچیده شده بر روی چپر کت افتیده است * خانم او بجای نا معلومی تلفن کرده و به زبان روسی صحبت میکند * متعاقب آن یک مرد روس وارد اتاق شده و دست خود را بر روی چشمان مقتول می گذارد * (برای اینکه از مرد قربانی خود مطمئن شود) * و با یکس که همراه دارد فوراً محل را ترک میکند * در بین همه ما بیخ است که این یکس در اول خالی بوده و بعداً و ما میل شکجه و قتل در آن از خانه خارج ساخته شده است *) بدنیال مرد روسی خانم داکتر نیزهیی با عجله يك یکس را (که متعاقباً و سایل جاسوسی در آن بوده) از خانه بیرون میرود و بعد از آن کسی (بشمول خانم داکتر) محل بود و پاش زن جاسوسه را نمیدانند و فقط یکبار در روز فاتحه در پنجاه آرد محافظ ظاهر میشود و اکنون شایع است که او به شوروی رفته و چند ماه قبل نیز با حیل و فریب دادن شوهر خود / دختر پانزده ساله داکتر نیزهیی را بشوروی فرستاده بود *

در بدن داکتر علیم ضربات و شکجه بوضوح معلوم برده و در استقرا ع مقتول لخته خونی کاملاً آشکار بوده است *

آثار ضرب و شتم / قرار نداشتن مقتول بر روی چپرکت / اینکه خانم وی در وقت به اصطلاح خود کسی در خانه بود و فرار خانم او و سرباق داکتر نیزهیی و بالاخره سکوت نوکران روس همه و همه دروغ خوکسی را بر ما میسازد * اتحادیه عمومی استادان و محصلان استقلال طلب " در آن دوره شهادت این استاد / یکبار دیگر همانطوریکه در اعلامیه شهادت کریم شهید به همه هشدار داد / از تمام استادان و محصلان میخواهد که هر چه بیشتر مشکل شده و جبهه معارف را به هشت دنانشکنی بردهان تجسوز کاران و سگان پرچی و خلق آن تبدیل نمایند * هرگونه بی تفاوتی و بیطرفی در بین دشمن و ملت نه تنها خیانت به وطن است بلکه خیانت بخود و فامیل خود نیز میباشد * در زمانیکه گمرتجا و ز کاران در زیر عملات توفانی / ولی پراکنده ملت ما چنین خم شده است / و عدت ملت یگانگی نه نیرو / سلاح و تضمین است که بدشمن ضربه نهائی را میزند *

" اتحادیه عمومی استادان و محصلان استقلال طلب " از تمام استادان و محصلان میخواهد که در صفوف " اتحادیه عمومی " بسیج و همراه با سایر تشکیلاتهای ملی چه در عرصه معارف و غیره / به امر وحدت کمک نموده / تفرقه افگنان رنگارنگ را درک و دشمن را با تمام توطئه های آن مورد ضربه کاری قرار دهند *

- توطئه های رسوای دشمن علامت شکست اوست *
- با وحدت ملی برخسند و وحدت شکنان و دشمن خونخوار!
- گرامی باد خاطره * استاد شهید / داکتر فهیم نیزهیی!

قوس ۱۳۶۰